نیت تقدیری و وقوع فرض بر روزه ندب در روایت مقنعه

روایت سیزدهم و روایت اول باب ششم، به هم مربوط است. خلاصه‌ای که از این دو روایت به ذهن می‌آید را سریع عرض می‌کنم. روایت سیزدهم در مقنعه آمده است و در سائر کتب نیامده است، همانطور که عرض کردم به این دلیل بوده که این قسمت مقنعه در تهذیب نیامده است. به همین خاطر این لوازم را داشته است.

> **محمد بن محمد المفيد في (المقنعة) قال: ثبت عن الصادقين (ع) أنه لو أن رجلا تطوع شهرا وهو لا يعلم أنه شهر رمضان ثم تبين له بعد صيامه أنه كان شهر رمضان لأجزأه ذلك عن فرض الصيام[1]**

«ثبت عن الصادقين (ع) أنه لو أن رجلا تطوع شهرا»؛ یک ماه روزه مستحبی گرفت، **«وهو لا يعلم أنه شهر رمضان»؛** اصلاً خبر نداشت که این ماه، ماه مبارک است. **«ثم تبين له بعد صيامه»؛** مثلاً در زندان است یا به بلاد دیگری مهاجرت کرده که تقویم را گم کرده است. حالا یک ماه را روزه مستحبی گرفت، **«أنه كان شهر رمضان»؛** بعد فهمید که این روزه‌های مستحبی که گرفته بودم، در ماه مبارک بوده، حالا اعاده بکند یا نکند؟ این روایت بهترین بیان را در راقی‌ترین ضوابط فقه می‌گوید. اگر می‌زان و آن چیزی که پشت این روایت است را بفهمیم، یک مفتاحی آمده که ینفتح منه الف باب. حضرت چه فرمودند: **«لأجزأه ذلك عن فرض الصيام»**. چرا؟ متعبد هستیم! یک وقتی است که تعبد را اصلاً نمی‌توانیم طبق ضوابط فقهی توجیه کنیم، لذا می‌گوییم تعبدی است که نقتصر علیه. اما یک وقتی تعبدی است که با آن چیزی که از سائر قواعد فقهی می‌دانیم، قابل بیان است. توجیه‌پذیر است. اینجا تعبدی است که توجیه‌پذیر است. خب توجیه این چیست؟ چرا مجزی است؟ او که خبر نداشت. او که نیت مستحب کرده بود.

> 37:51

شاگرد: «لان الفرض وقع علی الیوم بعینه».

استاد: بله، ببینید این روایت زهری است. «الفرض» یعنی ایامی که خداوند متعال قرار داده، «وقع علی الیوم بعینه». او امروز را روزه گرفت و بعد دید که روز ماه مبارک بود. خب او که نیت تطوع داشت. جواب چه بود؟ جواب این بود که در اینجا نیت تطوع او لغو است. چون «وقع علی الیوم بعینه»، دو روز نیست که بگوییم او نیت تطوع داشت. می‌گوییم خب تطوع او لغو است، اما نیت وجوب که نکرده بود! آیا نیت وجوب لازم است؟ یا نه؟ او که نوی صوم هذا الیوم بود و عند الله هم واجب است. لازم نیست که نیت بکند. این والاً

مهمتر از اینکه بگویم قصد وجه نیاز نیست، توجیه آن با نیت تقدیری است. خیلی از جاها شبیه آن را داریم، ولی باید در کلاس به کار ببریم. نیت تقدیری این است که کسی که دارد روزه مستحبی می‌گیرد، لو عَلِمَ که ماه مبارک است، می‌گوید چه بهتر! یعنی او بالفعل نیت وجوب دارد ولی تقدیری است. بالفعل این نیت را دارد. اما چون حجاب جهل آمده و جهل موضوعی دارد که الآن ماه مبارک است، این جهل موضوعی او حجاب می‌شود که نیت تقدیری او فعال شود. به محض اینکه این جهل موضوعی کنار برود، می‌گوید الآن ماه مبارک است، چه بهتر. یعنی نیت تقدیری با رفع جهل موضوعی فعال می‌شود. خب با این توضیحات در این روایت چه مشکلی داریم؟! یعنی حتی اگر نیت وجه را هم لازم بدانیم، در این بیان داریم. جازمیت در نیت می‌خواهیم، او که جازم در تطوع بوده! با این توضیحی که عرض کردم اگر به‌خوبی تلطیف کنید، سر سوزنی در جازمیت او تردید ندارید. یعنی او در نیت تقدیری که مردد نیست. تردید همیشه از جهل موضوعی می‌آید، نه از رأس مخروط قصد او بر بندگی مولی به‌نحوی‌که مولی از او می‌خواهد. در این جازم است. او می‌گوید صد در صد، یک ذره احتمال خلاف نمی‌دهد که همانطوری که خدا از او می‌خواهد، او می‌خواهد بندگی کند. این نیت تقدیری را چرا از این جزم در بیاوریم؟ چیزی است که معلوم بالوجدان است و هر فردی می‌گوید که او جازم در این است، اما تقدیری است. یعنی یک مانعی از جهل موضوعی آمده و او را به اشتباه انداخته است. و الّا در آن‌چه که قوام بندگی او است، سر سوزنی تردید ندارد. جازم است به اینکه می‌خواهد امر خدا را علی ما هو علیه، امتثال کند. پس این روایت سیزدهم تعبدی است توجیه‌پذیر. کاملاً با ضوابط فقه و با آن چیزهایی که از نظائرش می‌دانیم موافق است.

---

[1] همان

بازبینی #1
ایجاد شده 18 مه 2026 15:53:39 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 مه 2026 15:55:23 توسط ... .